

کاربرد جغرافیا در عمران فیزیکی روستاها

حسین حاتمی نژاد

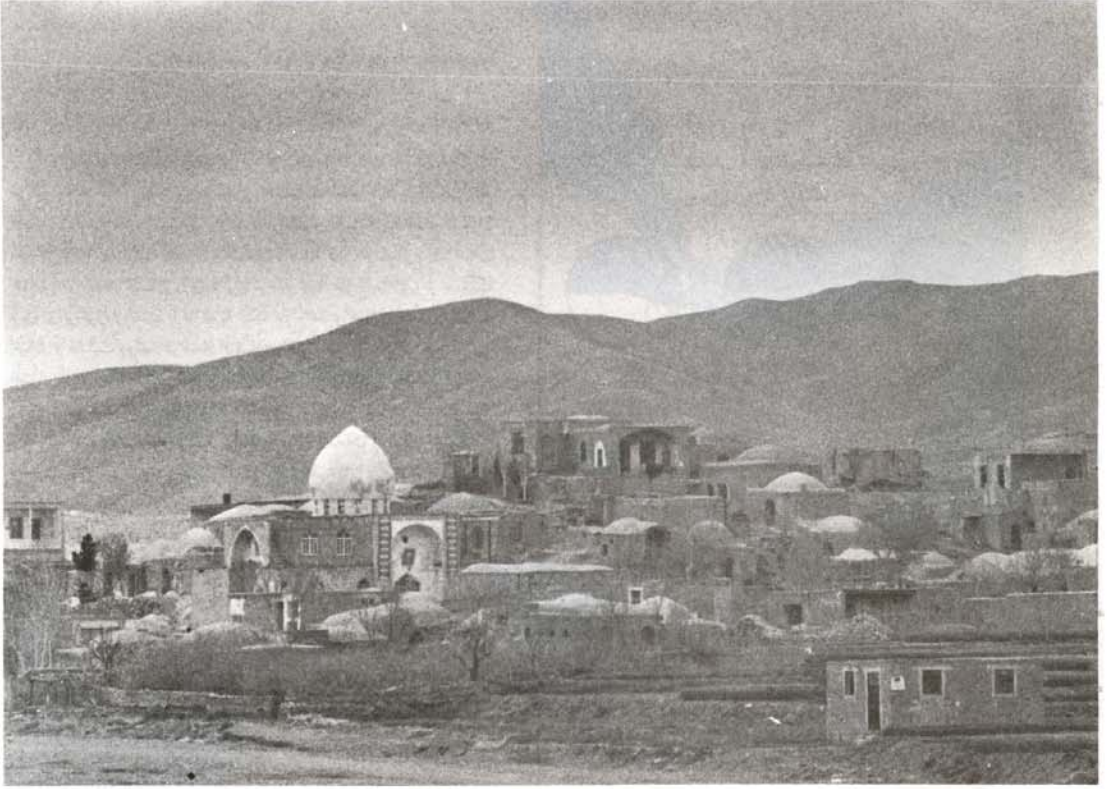
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

جغرافیا و توسعه روستایی

توسعه روستایی فرآیندی پیچیده و همه جانبه است. بدین مفهوم که در توسعه روستایی، هم افزایش تولید محصولات روستایی (زراعی، دامی، صنایع دستی و غیره)، و هم افزایش میزان برخورداری روستاییان از امکانات زیربنایی و رفاهی در مد نظر قرار می گیرند. برای افزایش تولید باید عوامل تولید (زمین، کار، سرمایه و مدیریت) را، به نحو منطقی و متناسب با زیرساختهای اقتصادی، اجتماعی، و براساس ویژگیهای جغرافیایی باهم ترکیب کرد. از آنجایی که تمامی زمینهای مورد استفاده دارای ویژگیهای یکسانی نمی باشند، لذا اقدامات مختلف عمرانی در آماده سازی زمین، ضرورت می یابد. و در این میان تأمین آب، احداث کانال، بند، پوشش انهار، تسطیح زمین، رعایت اصول حفاظت خاک، به کارگیری روشهای صحیح کشت و آبیاری، استفاده معقول از ماشین آلات کشاورزی، بذر اصلاح شده، سموم دفع آفات گیاهی، انواع کودهای حیوانی و شیمیایی و سایر تمهیدات مورد نیاز در بخش کشاورزی مورد نظر قرار می گیرند. همچنین در جهت ارتقاء سطح درآمد روستاییان باید در زمینه رشد صنعتی در قلمرو روستاها (عمدتاً صنایع سبک، صنایع دستی و به ویژه تبدیلی)، برنامه ریزی شود.

مقدمه

بی تردید جغرافیای کاربردی به مشابه دانشی پویا در کلیه برنامه ریزیهای توسعه و آمایش سرزمین، نقش عمده و بسزایی را ایفا می کند. تحولات فکری جغرافیدانان معاصر در زمینه نقش جغرافیا و کاربرد آن در عمران نواحی مختلف جای نگرانی برای کارشناسان امور مختلف را باقی نمی گذارد. زیرا پدیده های مختلف طبیعی و انسانی سطح زمین در نظر جغرافیدانان، دارای روابط متقابل پیچیده ای هستند؛ که شناخت هر یک از آنان مستلزم شناخت سایر پدیده ها و برآورد اثرات متقابل احتمالی بین آنها می باشد. همچنین چند سونگری و مطالعه پدیده ها از جوانب مختلف از اختصاصات پژوهشگران جغرافیا می باشد؛ که ایشان را در حل معضلات و مشکلات شهری، روستایی و عشایری رهنمون می شود. بنابراین این جغرافیدان به سازگاری نوع برنامه های عمران روستایی با ویژگیهای جغرافیایی فضای روستایی می اندیشد؛ تا منظر جغرافیایی و اقتصادی ناحیه آسیب نپذیرد. لازم به ذکر است که عمران فیزیکی روستاها تنها، بخشی از فرآیند توسعه روستایی به شمار می آید؛ که خطوط اصلی آن در قالب تغییرات کالبدی روستاها ترسیم می گردد.

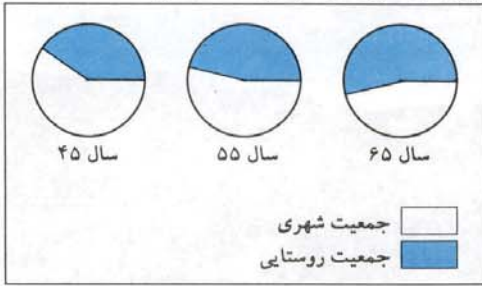


در صورتی که بودجه و سایر امکانات مورد نیاز فراهم باشد، توسعه تمامی روستاها بسیار ایده آل خواهد بود. اما محدودیت‌هایی در زمینه بودجه‌های عمران روستایی، و کمبود نیروی متخصص و سایر کاستی‌ها موجب می‌شود، که نتوانیم در جهت عمران و توسعه تمامی روستاها گام مؤثری برداریم. در نتیجه مجبور به انتخاب خواهیم بود. انتخاب روستاهایی که به لحاظ پتانسیل طبیعی و انسانی، مستعد توسعه هستند. بدیهی است که دانش جغرافیا در شناسایی و انتخاب چنین روستاهایی، نقش اصلی را برعهده دارد. در واقع جغرافیدان با دید فضایی (مکانی)، منظومه‌های روستایی را کشف کرده، و به کمک تئوری‌های چون تئوری مکان مرکزی، الکرکریستالر و تئوری فضایی فون تانن^۱ در انتخاب صحیح روستای مورد نظر جهت عمران فیزیکی مؤثر می‌افتد.

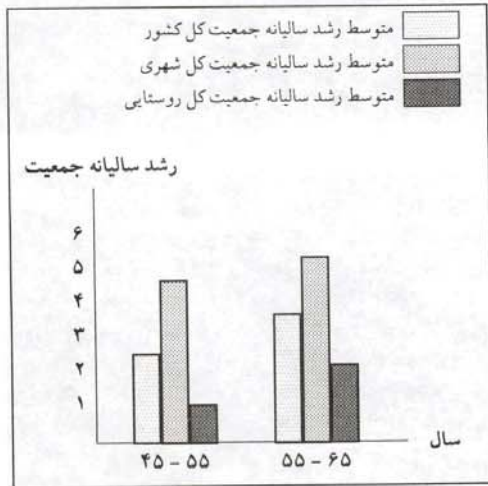
پس از انتخاب، چنین روستاهایی موظف به سرویس دهی خدماتی به سایر روستاها خواهند بود. به عبارت دیگر روستاهایی که در حوزه نفوذ روستای توسعه یافته قرار دارند، هر یک با شعاع و فاصله خاصی به امکانات و تأسیسات اجتماعی، اقتصادی، رفاهی، فرهنگی، درمانی و غیره دسترسی خواهند داشت.



نمودار شماره (۱)، نمایش درصد جمعیت شهری و روستایی به کل جمعیت ایران در سالهای (۴۵، ۵۵، ۶۵)



نمودار شماره (۲)، نمایش متوسط رشد سالانه جمعیت کل کشور، شهری و روستایی (۴۵، ۶۵)



تسهیلات و امکانات اعتباری دولت نسبت به دهه های قبلی افزایش داشته است؛ ولی به عنوان جمع بندی عملکرد گذشته، توسعه روستایی در ایران طی ده سال اخیر از روندی اندیشیده و طراحی شده برخوردار نبوده است. ذکر این نکته به معنای نفی اقدامات انجام شده نیست؛ بلکه به مفهوم

کانوهای توسعه روستایی که ترجیحاً مراکز دهستان در نظر گرفته می شوند، درحقیقت همان روستاهایی هستند که احتیاج به عمران فیزیکی دارند. لازم به ذکر است که درمیان ارگانهای ذیربط به جای عمران فیزیکی، واژه بهسازی معمول و متداول است. قبل از شروع اقدامات عمرانی در جهت بهسازی روستایی، مرحله تهیه طرح هادی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با توجه به اینکه طرح هادی عبارت است از تجدید حیات و هدایت روستا در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی؛ عمده ترین فصول طرحهای هادی در قلمرو جغرافیای طبیعی و انسانی قرار می گیرد.

طرح عمران فیزیکی با تکیه برنگرش سیستمی هم به وضع موجود و هم به آینده روستا توجه دارد. و سطح بندی خدمات روستایی را جدا از مفاهیم حوزه نفوذ روستا نمی بیند. در چنین طرحهایی، اصلاح و تعریض معابر، شیب بندی خیابانها و کوچه ها به منظور هدایت روان آب، ناشی از مصارف محلی و در راستای بهبود محیط زیست روستا، ایجاد تغییرات کالبدی در بافت روستا و بهبود اوضاع فیزیکی مسکن، تعیین سمت توسعه در مد نظر قرار می گیرند. بهسازی روستایی در ایجاد شرایط مناسب برای فعالیتهای مختلف اقتصادی، و جذب نیروهای ماهر و متخصص غیر محلی و ایجاد فضای مناسب برای فعالیتهای تولیدی و خدماتی آنان تاثیر بسزایی خواهد داشت. با توجه به اینکه موارد فوق در قلمرو پژوهشهای جغرافیایی قرار دارد، بر لزوم همکاری جغرافیدان با گروه مهندسين مشاور طرحهای عمران فیزیکی روستاها تأکید می ورزیم.

جغرافیا و مدل‌های توسعه روستایی

یکی از تعاریف مهم جغرافیا توسط «پرستن جمز» ارائه شده است. وی معتقد است که جغرافیا در صدد تفسیر مفهوم و اهمیت تشابهات و اختلافات بین مکانها با توجه به رابطه علت و معلولی است (۱۰). قبل از اینکه برخی از مدل‌های توسعه روستایی را در گستره های مختلف جغرافیایی مورد مطالعه قرار دهیم، جهت مقایسه و کشف وجه اختلاف و تشابه آنها با توسعه روستایی ایران، لازم است به مشخصات عمران روستایی کشورمان نظری داشته باشیم.

با بررسی الگوی توسعه اقتصادی ایران در نیم قرن اخیر به ویژه برنامه های عمرانی رژیم گذشته، مشاهده می شود که اقتصاد ایران به تدریج از یک اقتصاد عمدتاً کشاورزی به یک اقتصاد تک محصولی صادر کننده نفت بدل گردیده است. در پی کم توجهی به روستاها به عنوان محور توسعه، با مقایسه نتایج سرشماریهای سه دهه اخیر در می یابیم که، علی رغم افزایش مطلق جمعیت روستایی، نسبت آن به کل جمعیت کشور کاهش یافته است (نمودار ۱ و ۲، ۸).

اگرچه طی ده سال اخیر میزان برخورداری جامعه روستایی ایران از

شود. درحقیقت تغییر ساختار اقتصادی و کسب استقلال اقتصادی، تأمین عدالت اجتماعی، از میان برداشتن بی سوادی، بیکاری، فقر و بی مسکنی بدون استفاده از برنامه ریزی ممکن نیست. یعنی همان وسیله‌ای که امکان دستیابی به آرمانهای اقتصادی را با حداقل هزینه، با کمترین اتلاف و در کوتاه ترین زمان فراهم می سازد (۸).

نرخ طبیعی توسعه اقتصادی، در اکثر موارد متأثر از کمبود یک یا دو عامل تولیدی مهم و استراتژیک است. در کشورهای در حال توسعه، کمبود سرمایه را به هر شکل که باشد می توان به عنوان مشکل اصلی عملیاتی اقتصاد که نرخ کلی رشد، متأثر از آن است، نام برد. در نتیجه در کشورهایی که ظاهراً سرمایه به عنوان تنگنای اصلی نمودار می شود، مدل کلی انتخاب شده اکثراً از انواع مختلف روابطی استفاده می کند؛ که در مدل بسیار مشهور «هارود - دومار» تجسم یافته است. در این مدل، پس انداز، سرمایه گذاری و درآمد، تنها متغیرهایی هستند که مورد مطالعه قرار می گیرند. با این فرض ضمنی، که عواملی چون عرضه محدود نیروی انسانی کارآمد، نوسانات ارزش ارز و غیره، از اهمیت کمتری برخوردارند؛ و ذخیره سرمایه، فرآیند مرکزی حرکت را تشکیل می دهد. و سایر جنبه های توسعه به وسیله آن امکان تحقق می یابند (۴).

مدل دیگر، مدل بخشی است (بخش کشاورزی، صنعتی، صادرات و...)؛ که باید دارای خصوصیات زیر باشند:

۱) بخشهای تشکیل دهنده مدل باید کل اقتصاد را دربرگیرند.

۲) مدل باید اقتصادی باشد.

۳) مدل باید واقع بینانه باشد.

در مدل دویختی، بخش کالاهای مصرفی در مقابل بخش کالاهای سرمایه ای قرار می گیرد. با افزودن بخش صادرات به آن می توان مدل سه بخشی تشکیل داد. در صورتی که اطلاعات لازم موجود باشد، برنامه ریزان غالباً درصد برمی آیند که مدل آماری چند بخشی بسازند. این نوع مدلها، معمولاً مرکب از پنج تا ده بخش عمده اند. که به منظور خلاصه کردن ویژگیهای خاص ساختاری یک اقتصاد، به شیوه ای جامع تر از مدلهای او یا سه بخشی در نظر گرفته شده اند (۴).

متأسفانه تجربه گذشته ایران در برنامه های عمران روستایی چندان موفق نبوده است؛ که عمدتاً به علت عدم هماهنگی بین برنامه های توسعه ملی و عمران روستایی می باشد. البته در این میان باید به میزان قابل توجه مشارکتهای مردمی و درک ضرورت عمران فیزیکی روستاها در میدان روستاییان، اشاره نمود. که به ویژه بعد از انقلاب اسلامی از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است. مسلماً در برنامه های آتی توسعه روستایی باید از چنین پشتوانه نیرومندی بیشتر استفاده گردد.

نتایج حاصله از طرحهای توسعه روستایی در سایر کشورها که



گیسختگی اهداف و برنامه ها، فقدان راهبردهای مشخص و از پیش اندیشیده، برای توسعه جامعه روستایی می باشد (۱).

به دنبال نبود یک برنامه مدون توسعه روستایی، و در واقع سردرگمی در انتخاب یک مدل توسعه، روند مهاجرت از روستا به شهر از ابعاد جدیدی برخوردار گردید؛ که ضمن برهم زدن شبکه شهری، مشکلات موجود در زمینه بیکاری، فقر، زاغه نشینی، اعتیاد، ناهنجاریهای اجتماعی و روانی را تشدید کرده است.

در برنامه ریزی کلان اقتصادی ایران، توسعه روستایی از جایگاه والا و ارزشمندی برخوردار است. زیرا اگر بخواهیم استقلال سیاسی مان را حفظ کنیم، ناگزیریم به خود کفایی اقتصادی برسیم. و این مهم میسر نمی گردد مگر اینکه به روستا و روستاییان ارجح و بالاتری نهاده شود. بدین منظور سازماندهی و تقویت جامعه روستایی، هماهنگ با ضرورتهای توسعه ملی در راستای کاهش اختلاف شهر و روستا و ارتقای توان کشاورزی ضرورت می یابد.

در جهت توسعه روستایی باید ابزار برنامه ریزی به خدمت گرفته

تنانگو، در کشور گواتمالا واقع در آمریکای مرکزی بسیار آموزنده است. وی می‌نویسد، در مدت دوازده سال دوره طرح، با مطالعه و تجربه دریافته‌ام که بیش از آنکه سلامتی و بهداشت بتواند بیماری را از میان دو میلیارد نفر فقیر روستایی سراسر جهان دور براند، مسائل دیگری هم هست که باید با کمال جدیت به آنها پرداخت؛ و آنها را حل کرد؛ تا مسأله بهداشت هم بتواند حل شود. ما این مسائل را به ترتیب به قرار زیر طبقه‌بندی می‌کنیم:

- (۱) بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی؛
- (۲) وضع مالکیت زمین؛
- (۳) تولید و فروش محصولات کشاورزی؛
- (۴) کنترل تعداد جمعیت؛
- (۵) سوء تغذیه و کم‌غذائی؛
- (۶) پرورش بهداشتی؛
- (۷) اقدامات پزشکی و درمانی.

توجه می‌کنید که ما طب درمانی را در آخر فهرست اولویت‌های خود قرار داده‌ایم، در حالی که در آغاز طرح همه چیز را در پزشکی و امور درمانی خلاصه می‌کردیم (۳).

مطالعه سیاست‌های توسعه روستایی در هند، بنگلادش و چین نیز نشان می‌دهد که توسعه روستایی یک برنامه چند جانبه بوده است، که همراه با سایر طرح‌های توسعه اقتصادی به اجرا درآمده است.

کشور جمهوری کره که در رابطه با توسعه اقتصادی به نام «معجزه دوم» معروف شده است، برای توسعه روستایی، طرحی به نام «ساموئل آندونگ»^۲ یا «نهضت جدید روستایی» را تجربه کرد. و به طور کلی می‌توان آن را موفق نامید.

باید توجه داشت که ساموئل آندونگ به عنوان راه حلی برای مشکلات توسعه روستایی در کره در نظر گرفته شده، و تلاش‌های متعددی توسط دولت و همچنین بخش خصوصی، و یک سازمان مذهبی برای ترویج و بهبود توسعه روستایی به عمل آمده است. مدت زمانی طول کشید تا یک روش ترکیبی و برخورد با توسعه روستایی مشتمل بر ترویج نوآوری‌های تکنیکی، تسهیلات بهبود یافته اجتماعی و تحول در گرایشها و ارزشهای کشاورزان به طور موفقیت آمیزی، به یک فرمول صحیحی به نام «ساموئل آندونگ» منجر گردید؛ که دستاوردهای آن مؤثر و قابل ملاحظه بوده‌اند. در طی سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۷، تخمین زده می‌شود که بیش از ۵۹۰ میلیون نفر روز کاری روستاییان در خدمت نهضت قرار گرفت؛ و ۸ میلیون پروژه عمران فیزیکی روستایی، با حدود ۲۱۵ پروژه عمرانی به ازای هر روستا انجام گردیده است (۱۵).

با مروری بر برنامه‌های توسعه روستایی برخی از کشورها، دریافته‌ام که هماهنگی بین دستگاه‌های برنامه‌ریزی و اجرایی ضروری است.

بعضاً تا حد زیادی هم موفق بوده‌اند، نشان می‌دهد که آن دسته از طرح‌های عمران فیزیکی روستاها که هماهنگ و همزمان با سایر برنامه‌های توسعه روستایی، و در راستای استراتژی عمومی توسعه به مرحله اجرا درآمده‌اند، از موفقیت چشمگیری برخوردار بوده‌اند. از آن جمله می‌توان به برنامه شتابان توسعه روستایی «ماهاولی»^۳ در سریلانکا اشاره کرد؛ که برنامه‌ای چند منظوره بوده است. اهداف آن عبارتند از:

- (۱) ایجاد مشاغل جدید
- (۲) خودکفایی در زمینه تولید برنج
- (۳) توسعه و افزایش تولید نیروی الکتریسیته
- (۴) کاهش کسری موازنه پرداختها به وسیله توسعه صادرات محصولات داخلی

طبعاً در این میان آنچه که روی آن تأکید می‌شود، توسعه و تولید محصولات کشاورزی است؛ که فرصت‌هایی را برای اشتغال روستاییان ایجاد می‌نماید. این مدل استراتژی توسعه روستایی به جای مدل، بهره‌برداري جداکنتر از ذخایر طبیعی می‌باشد؛ و در این رابطه سه موضوع قابل ذکر است.

- (الف) برآوردن نیازهای اساسی کلیه روستاییان مانند غذا، پوشاک، سرپناه (نه مسکن)، بهداشت و آموزش عمومی؛
- (ب) حمایت از محرومین و برآوردن کلیه حوایج آنها؛
- (پ) روش تمرکز فعالیت‌های توسعه روستایی که درحقیقت برنامه‌ریزی منطقه‌ای در وسیعترین معنی خود می‌باشد. و هدف آن مورد توجه قرار دادن جنبه‌های گوناگون اجتماعات روستایی است؛ و خصوصیت آن وجود برنامه‌های متعدد ضربتی می‌باشد که همزمان هماهنگ عمل می‌نمایند (۲).

در الگوی توسعه تانزانیا، علی‌رغم انتقاداتی که از جانب گروه‌های مخالف ابراز شده است، یک برنامه‌ریزی همه جانبه در جهت توسعه روستایی به چشم می‌خورد که اهداف اصلی و عمده آن به قرار زیر است:

- (۱) توسعه اجتماعی؛
- (۲) تحول اقتصادی و فنی؛
- (۳) بازسازی سازمان اداری کشور.

درحقیقت پراهمیت‌ترین چهره توسعه، گسترش آگاهی سیاسی به سمت آزادی، استقلال فردی و مسئولیت است. دولت نیز برای کشاورز روستایی، محصولات دارای سویسد، بهداشت، آموزش و آب بهداشتی فراهم نموده است. همچنین اقداماتی در زمینه کاهش شکاف بین حقوق دستمزد در مراکز شهری انجام گرفته، و بهای اقلام کشاورزی به نفع روستاییان افزایش یافته است (۱۴).

گزارش دکتر «کارول بهرهورست»^۴ از طرح بهزیستی چیمال



متأسفانه در ایران نمونه‌های بسیاری وجود دارد که قبل از بهسازی روستایی، پروژه‌هایی در زمینه خدمات زیر بنایی (آب، برق، راه) اجرا شده و گاهی تأسیسات اجتماعی، رفاهی مانند مدرسه، مرکز بهداشت، مسجد و غیره در همان بافت قدیمی روستا احداث گردیده است؛ که هیچگونه تناسب فیزیکی با ابنیه قدیمی و شبکه‌بندی معابر ندارد؛ و بدون توجه به نیازهای آینده طراحی شده‌اند. واضح است که به هنگام اجرای طرحهای عمران فیزیکی چنین روستاهایی، شبکه آبرسانی، برق رسانی، بخشی از ابنیه جدیدالاحداث تخریب شده، و موجب اتلاف هزینه و نیروی انسانی می‌گردد. پس بهتر است قبل از هرگونه اقدام در جهت توسعه و عمران روستایی، بین مسؤولین ذیربط، هماهنگی لازم در برنامه ریزیها انجام پذیرد. همان طور که قبلاً ذکر گردید، توسعه روستایی در راستای سیاستهای برنامه‌ریزی اقتصادی کشور مطرح می‌شود. و با اعمال روشهای مختلف سیاستگزاری اقتصادی، می‌توان همزمان با ارائه خدمات زیر بنایی و رفاهی به روستاها، و بهسازی محیط روستاییان در مورد کاهش اختلاف سطح دستمزد شهری و روستایی، تعدیل عوامل دافعه روستایی، و جاذبه شهری

و ایجاد فرصتهای شغلی، ضمن برنامه‌ریزی جمعیتی و کنترل جمعیت، از مهاجرت بی‌رویه روستاییان جلوگیری کرد؛ و اضافه جمعیت طبیعی روستاها در زمینه صنایع مختلف (ترجیحاً صنایع تبدیلی)، به طور اصولی به کار گرفته شود. با انجام اقدامات فوق که هر کدام به نحوی از اطلاعات و پیشنهادهای جغرافیدانان سود می‌برند، می‌توان به یک فضای آمایش یافته دست یافت. یعنی فضایی که به طور منطقی و سنجیده شده و مستمر مورد بهره‌برداری گروههای انسانی قرار گرفته، و در آن توزیع مطلوب جمعیت با برخورداری از یک رفاه نسبی مشهود است. در این جا لازم می‌آید تا داشتن یک الگوی یا مدل مشخص توسعه روستایی را در جهت دستیابی به اهداف فوق متذکر شویم. شایسته است چنین الگویی توسط کارشناسان داخلی و براساس ویژگیهای طبیعی، انسانی ایران مشخص و ترسیم گردد.

رهیافت‌هایی بر عمران فیزیکی روستاها

از آنجایی که توسعه روستایی و عمران فیزیکی با یکدیگر ارتباط متقابل و تنگاتنگی دارند، و درحقیقت با اجرای طرحهای فیزیکی به



هدفهای مورد نظر توسعه نزدیکتر خواهیم شد؛ ضروری است که اصول جدید توسعه را در هنگام بهسازی روستایی در مد نظر داشته باشیم. این اصول عبارتند از:

۱ - امر توسعه باید از نقطه‌ای شروع شود که به سرعت نیازهای اساسی جامعه را تأمین کند.

۲ - در امر توسعه روستایی باید تعداد افرادی که نفع می‌برند بیش از تعداد کسانی باشد که متضرر می‌شوند.

۳ - توسعه روستایی باید متناسب و هماهنگ با نیازهای موجود باشد.

۴ - در روند توسعه باید بهبود و اصلاح محیط زیست و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی تضمین گردد.

۵ - توسعه نباید رفاه اجتماعی انسان و شرایط بیوسفر را به خطر اندازد.

۶ - به هنگام انتخاب مسیرهای توسعه، نباید سیاست توسعه از یک کشور دیگر (حتی کشور در حال توسعه) به عاریت گرفته شود (۷ و ۹).

اگر به محوریت بخش کشاورزی معتقد باشیم، روستاها به لحاظ ساخت، بافت و سیما احتیاج به تحول دارند. بدیهی است که تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در بخش کشاورزی خواهد بود؛ و در این میان روستا و مسکن روستایی به مثابه محل سکونت و محیط کار، باید گنجایش و شایستگی خاصی پیدا کنند؛ در این راستا از لحاظ فیزیکی اولین گام در احیای روستا، همان بهسازی (عملیات هماهنگ و سنجیده عمران فیزیکی) خواهد بود. عدم تناسب وضع فیزیکی فعلی روستاها با شرایط جدید (جمعیت فزاینده، بکارگیری وسائل جدید حمل و نقل، ماشین آلات کشاورزی و...)، سبب بروز مشکلاتی از قبیل نامناسب بودن بافت، غیر بهداشتی بودن محیط زیست، و دشواری عبور و مرور در داخل بافت و غیره شده است؛ از طرفی اوضاع جدید اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بعضی از روستاها، خود زمینه ساز ایجاد تغییرات سریع در بافت آنها شده، و لکن نابسامانی در رشد فضایی روستا، با توجه به رشد سریع جمعیت و عدم وجود ضوابط مشخص، جهت تعیین زمین مناسب، سمت توسعه و نیز احداث مسکن و سایر ابنیه از نظر کیفیت ساخت، جهت و محل قرارگیری امکانات، تأسیسات و تجهیزات عمومی و رفاهی، تماماً مبین عدم رعایت مسائل توسعه کالبدی در روستاها می‌باشد. همچنین، با توجه به نرخ رشد جمعیت در کشور، باید روستاها آماده جذب و نگهداشت بخش قابل توجهی از این جمعیت گردند.

در حال حاضر تأسیسات زیربنایی و ضروری موجود در مناطق روستایی ایران، اکثراً ناقص بوده و در بعضی روستاها اصلاً وجود ندارد. برای اصلاح مسکن و تأسیسات گوناگون در مناطق روستایی دو نوع

اصلاحات کوتاه و بلند مدت ضروری است. اصلاحات کوتاه مدت عبارتند از:

۱ - بهبود فوری ساختمانهای روستایی موجود. مانند تقویت قسمتهای بارکش ساختمانهای مسکونی و دامی با مصالح محکم و بادوام، رعایت اصول بهداشتی و جداکردن محل نگهداری دام از محل سکونت روستاییان؛

۲ - اصلاح یا ایجاد تأسیسات زیر بنایی و ضروری. مانند آب، برق، جاده، سیل گیر و غیره.

اصلاحات بلند مدت عبارت اند از:

۱) شناخت و مشخص کردن مناطق مختلف عمران روستایی کشور، تهیه ژئوس کس برای برنامه ایجاد ساختمانهای روستایی و تهیه نقشه‌های کلی (نقشه‌های تیپ)، و تعیین استانداردهای ساخت مسکن برای این گونه ساختمانها. به طوری که هماهنگ با این گونه اقدامات در دوره کوتاه مدت باشند.

۲ - ایجاد تأسیسات زیر بنایی در روستاها. مانند اصلاحات کوتاه مدت با برنامه و اجرای دقیق تر، جهت تأمین عمر مفید بیشتر، ایجاد تأسیسات نمونه در یک روستا، و سپس در سطح وسیع تر برای آشنایی بیشتر روستاییان با اصول امروزی ساختمانهای روستایی (۱).

در این جا، یادآور می‌شویم که سیمای کنونی بسیاری از روستاهای ایران، حاصل مراحل تکوینی فراوانی است، که در طی دوره های مختلف تاریخی و با توجه به ویژگیهای اجتماعی اقتصادی حاکم بر فضای آنها شکل گرفته است. از لحاظ تاریخی، زمانی که زندگی یکجانشینان توسط اقوام کوچ نشین و یا دشمنان خارجی مورد حمله و هجوم واقع می شده است، ساخت روستا به صورت قلعه (یا حیاط مرکزی)، با تمام تدابیر امنیتی در کشورما، در هرمنطقه به فراخور شرایط جغرافیایی اش به صورتی مشهود است. همچنین به علت استفاده از چهارپایان در حمل و نقل و رعایت اصول ایمنی در مقابل سوارکاران تجاوزگر، بافت فیزیکی اکثر روستاهای ایران بهم فشرده و دارای کوچه های باریک و پیچ در پیچ و غیر بهداشتی می باشد. در بسیاری موارد مسکن روستایی بهم ربط داشته، و در این میان وجود کوچه‌های سرپوشیده علاوه بر جنبه های تطبیقی با اقلیم ناحیه، جنبه امنیتی هم داشته است. مسلماً با گذشت زمان و تأمین امنیت، دیگر احتیاجی به برج و بارو و فشردهگی مسکن و تنگی معابر برای دفاع از روستا وجود ندارد. همچنین با توجه به نیازهای کنونی جمعیت روستایی که ناشی از تغییرات در روابط و مناسبات اقتصادی میان گروههای اجتماعی، و بکارگیری ماشین آلات کشاورزی و نفوذ اتومبیل به اشکال مختلف در روستاها می باشد؛ باید در سیمای ساخت و بافت روستا تجدید نظر کرد؛ تا بتواند در عملکردهای درونی و بیرونی اش به خوبی ایفای نقش نماید.

اقداماتی که در جهت عمران فیزیکی روستاها انجام می پذیرد، در

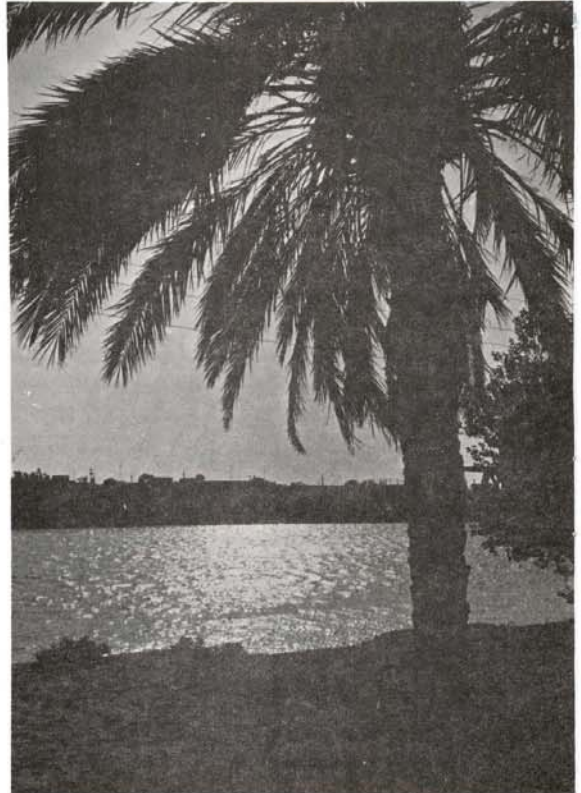
را به خوبی درک کنیم. خود را از آنان جدا ندانیم؛ و به این نکته توجه داشته باشیم؛ که شهر را برای مردم و اجتماع می سازیم نه برای خودمان. درحقیقت باید درصدد تأمین هم احتیاجات جسمانی و هم احتیاجات روحی مردم باشیم.

به هنگام عمران فیزیکی روستاها، باید این نکته را درنظر داشته باشیم که حیات روستایی با محیط طبیعی عجین شده است. احتیاج انسان به طبیعت، به مراتب بیش از احتیاجی است که طبیعت به بشر دارد. هر قدمی که در معماری شهر اعم از ترکیب و یا حتی طرز ساختمان بناها برداشته می شود، باید برای خدمت به بشریت و آسایش او باشد؛ تا شرایطی که از این راه برای خوشبختی بشر حاصل می شود، با شرایطی که طبیعت قادر است دراختیار او بگذارد، برابری نماید. قبل از اینکه دراندیشه ساختن شهرهایی که فاقد عوامل لازم طبیعی است باشیم، بهتر است مناسبترین روش موجود را بررسی نماییم؛ تا منزل و مأوی برای انسان بسازیم تا بتواند از نور مستقیم آفتاب بهره مند شده، دارای هوای پاک و تمیز و روشنایی طبیعی باشد (۱۳).

اگر در عمران فیزیکی روستا به مناطق نا سالم برخوردیم، بهتر است که در جهت تخریب، نوسازی آن بخش از فضای کالبدی روستا، سریعاً اقدام نماییم. در مورد مناطق نا سالم، هیچگونه تعصب تاریخی نداریم؛ حتی اگر فلان بالکن ارزش معماری داشته، ولی اکنون به وضع خطرناکی درآمده باشد. و یا فلان شخصیت تاریخی در خانه ای زندگی کرده باشد که در حال حاضر آن خانه به صورت ناسالمی درآمده باشد، تحت عنوان حفظ و تأمین بهداشت موظف به تخریب آن می باشیم. نگهداری آثاری که به قیمت جان مردم تمام می شود صحیح نیست. بدین ترتیب مناطق ناسالم تخریب شده، و از زمینهایی که از این طریق بدست می آید، برای ساختمانهای جدیدی که برای زندگی و پیشرفت اهالی آن لازم است استفاده می شود (۱۳).

ضعف دسترسی سواره عمده ترین مشکل کالبدی بخش قدیمی شهرها و روستاهای ایران است. در مرحله طراحی دسترسی سواره، باید به مقیاس و تناسب دسترسی با ترکیب بخش قدیمی توجه کرد؛ و از پیشنهاد خوابانهای عریض و نا متناسب خودداری نمود. طراحی دسترسی باید به گونه ای باشد که انواع وسایل نقلیه، مانند اتوبوس، ماشین بارکش و اتومبیل سواری هر یک تا مرز مناسب بتوانند به مجموعه مسکونی دسترسی پیدا کنند (۵). جغرافیدانان با احاطه بر ویژگیهای مکانی و نحوه جایجایی روستاییان در داخل بافت، و چگونگی ارتباط روستایا کانونهای جمعیتی و مراکز اقتصادی موجود در ناحیه نافذ، تا تحت نفوذ روستا، می توانند در طراحی دسترسی و شبکه معابر مشارکت نمایند.

یکی دیگر از اقدامات عمران فیزیکی در روستاها، تعیین سمت



حقیقت به روستا نقش های عملکردی جدیدی می بخشد؛ که درآینده می تواند پذیرای مهاجرتی از سایر روستاها و حتی شهرهای مجاور باشد. لذا روستاهای بهسازی شده، کانونهای اولیه و منظم شهرهای آینده خواهند بود. لازم است اصول علمی شهرسازی را در طراحی و اجرای پروژه های عمران فیزیکی روستاها بکار گرفت.

در مورد شهرسازی، اصول معین و مشخصی که به طور یکنواخت برای تمام شهرها مناسب باشند وجود ندارد. به همان نسبت که تعداد شهرها زیاد است، اشکال و اصول مربوط به شهرسازی که بکار رفته است متفاوت و مختلف است. اصولاً شهر سازی بر پایه های اصول مذهبی، اقتصادی، بهداشتی و حتی سیاسی استوار است. ما باید از الهامات هنری مردم، یعنی کسانی که ما را برای ساختن مسکن خود دعوت کرده اند کمک گرفته، و آنها

منابع:

- ۱) اشپی، والاس، رابرت داج، سی کی شد، ساختمانهای روستایی مدرن، ترجمه دکتر جواد مقصود، نشر دانش و فن، تهران، ۱۳۶۰
- ۲) برنامه شتابان توسعه روستایی ماهاولی در سریلانکا، مجله جهاد، شماره ۹۶، اسفند ۱۳۶۵.
- ۳) تفضلی، محمود، دو طرح بهزیستی در کشورهای رو به توسعه (ترجمه)، انتشارات سازمان خدمات اجتماعی و مرکز مطالعات توسعه درون زاء، طرح منطقه ای سلسه سال ۱۳۵۵.
- ۴) تودارو، مایکل، برنامه ریزی توسعه (مدلها و روشها) ترجمه دکتر عباس عرب مازار، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۶۳.
- ۵) نوسلی محمود، اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، جلد دوم، طراحی دسترسی، مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ رودکی تهران ۱۳۶۷.
- ۶) دفترتهیه طرحهای هادی روستایی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، قرارداد خدمات مهندسی مشاور.
- ۷) دیاس، هیران دی. و همکار، درسنامه برنامه ریزی توسعه روستایی، ترجمه ناصر فرید، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی ۱۳۶۸.
- ۸) رزاقی، دکتر ابراهیم، اقتصاد ایران، نشرنی، تهران، ۱۳۶۷.
- ۹) شکویی، دکتر حسین، جغرافیای کاربردی و مکنیهای جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.
- ۱۰) شکویی، دکتر حسین، فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
- ۱۱) کمیته برنامه ریزی مسائل توسعه روستایی وزارت جهاد سازندگی، گزارش نهایی توسعه روستایی ۱۳۶۸.
- ۱۲) کوپ آناتول، فردریک بوشه، دانیل پولی، معماری بازسازی، ترجمه دکتر محسن حبیبی، وزارت مسکن و شهرسازی، تحقیقات ساختمان و مسکن، ۱۳۶۶.
- ۱۳) گوئن، آندره، شهرسازی در خدمت انسان، ترجمه دکتر هوشنگ ناقی، دانشگاه ملی ۱۳۵۸.
- ۱۴) مجله جهاد شماره ۷۱، نقد و بررسی الگوی توسعه در نائزیا، بهمن ۱۳۶۳.
- ۱۵) مجله جهاد شماره ۹۵، مقدمه‌ای بر برنامه ریزی در سطوح محلی، بهمن ۱۳۶۵.

توسعه کالبدی روستا است. متأسفانه در بسیاری از موارد مشاهده می شود که مرغوبترین زمینهای زراعی را به این امر اختصاص داده اند. در آینده باگسترش فضایی روستا، از سطح زیر کشت کاسته شده و در نتیجه کمبود تولید، کاهش درآمد، و بالتیجه ضعف قوای اقتصادی، موجبات مهاجرت به سوی شهرها را فراهم می سازد. در این مورد یعنی در تعیین سمت توسعه، مکان بای صنایع و فعالیتهای مختلف، جایگزینی مراکز خدماتی - رفاهی، و سایر تصمیماتی که به نحوی از انحاء با مکان سروکار دارند، جغرافیا نقش مهمی را ایفا می نماید. همچنانکه نقشه های جغرافیایی در مراحل مختلف تهیه طرح هادی روستایی از اهمیت ویژه ای برخوردارند. از جمله نقشه موقعیت طبیعی روستا (با مقیاس 1:250,000)، نقشه موقعیت سیاسی آن (با مقیاس 1:250,000)، نقشه زمین شناسی روستا (با مقیاس 1:100,000)، نقشه محدوده حوزه نفوذ خدمات روستا (با مقیاس 1:50,000)، نقشه محدوده بلافضل روستا (محدوده زیستی و تولیدی با مقیاس 1:20,000)، که نقشه اخیر جهت تعیین زمینهای زراعی باغها، زمینهای متعلق به روستا، و ارائه پیشنهادهای مربوطه به طرحهای فیزیکی و غیر فیزیکی مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین نقشه کالبدی روستا (با مقیاس 1:2,000، یا 1:1,000) (پلان موقعیت) و نیز نقشه شبکه های ارتباطی و مراکز محلات (با مقیاس 1:2,000) هر یک به نحوی در بیان ویژگیها و ارتباطات، مکانی مؤثر می افزند (۶). □

- 1) VON TUNEN
- 2) Dr.Caroll Behrhorst
- 3) Saemaul undong

